

ملاحظات

عنوان	لوح قناع
وجه تسمیه لوح به عنوان مذکور	
صاحب اثر	حضرت بهاء الله
سال نزول	
محل نزول	عکا
لسان نزولی	عربی و فارسی
لحن نزولی	
کلام نزولی	
مصدر	مجموعه الواح مبارکه، چاپ مصر، ۱۳۳۸ هجری قمری، صفحه ۶۷- مجله عندلیب، سال ۱۸ شماره، مسلسل ۷۰ صفحه ۲۶-۲۸ مقاله ای در باره لوح قناع بقلم دکتر مهدی افنان.
مطلع	بسم الله العليم الحكيم يا أيها المعروف بالعلم والقائم على شفا حفرة الجهل ...
انتهای لوح	... مَنْ يَتَوَجَّهْ إِلَى مَوْلَاهُ وَيَنْقَطِعْ عَمَّا سِوَاهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ.
مخاطب	حاجی محمد کریم خان کرمانی
اسامی نفوس مذکوره	
اسامی اماکن مذکوره	
الواح دیگر مذکور در متن این لوح	
الواح دیگر با همین عنوان	

	مواضيع و الواح ديگر که با مطالب این لوح شباهت و ارتباط دارند
	نصایح و انذارات احکام
	اشارات به کتب مقدسه قبل
	مناجاتهای نازلہ در متن لوح
	شئونات و سبک نزولی
	ترجمه های این لوح
	ترجمه های غیر رسمی
	منابع فارسی
	منابع عربی
	منابع انگلیسی
	نسخه شناسی
	به خط
	نوع نسخه

سایر ملاحظات

لوح قناع خطاب به حاجی محمد کریم خان در جواب رساله تنقیدیه وی بر رساله آقا محمد رضا قناد شیرازی است.	۱

اهم مواضع موجود در این لوح

<p>مفهوم قناع و لثام بطور مجازی برای رجال نیز استفاده می شود در حالی که مفهوم لغوی آنان مخصوص نسون است: ثم اعلم بان القناع مخصوص بالنساء ویسترن به رؤسهن ولكن استعمل فی الرجال والوجه مجازاً ان كنت من المطلعين * وكذلك اللثام مخصوص بالمرأة یقال لثمت المرأة ای شدت اللثام علی فمها * ثم استعمل فی الرجال والوجه كما ذكر فی الكتب الأدبیة * أسقر اللثام عن وجهه ای كشف النقاب أما القناع والمقنعة دو جامه اند که نساء رؤس خود را بان میپوشانند مخصوص است از برای رؤس نساء ولكن در رجال ووجه مجازاً استعمال شده * وهمچنین لثام آنست که نساء بان دهان خود را میپوشانند چنانچه اهل فارس و ترک بیشماق تعبیر مینمایند و در رجال ووجه مجازاً استعمال شده چنانچه در کتب ادبیه مذکور است *</p>	<p>۱</p>
<p>لم حقیقی آنست که انسان را به حقیقت نزدیکتر نماید: جواب این سوال در متن این لوح نبود</p>	<p>۲</p>
<p>هدف از جواب دادن به اعتراضات آنست که مردم باین اعتراضات از حق ممنوع نشوند: جواب این سوال در متن این لوح نبود</p>	<p>۳</p>
<p>اعتراض حاجی کریمخان دلیل عمده اش جهل اوست نسبت به قواعد قوم و اصلاحات آنان: و بذلك ضیعت حرمتک بین عباد الله لآنا باعتراضیک وجدناک علی جهل عظیم * انک ما اطلعت علی قواعد القوم واصطلاحاتهم وما دخلت روضة المعانی والبیان وکنت من الغافلین</p>	<p>۴</p>
<p>حاجی کریم خان به مفاهیم مجازی و تشبیهی الفاظ قناع و لثام آگاه نبوده است: و ما عرفت الفصاحة والبلاغة ولا المجاز ولا الحقیقة ولا التشبیه ولا الاستعارة</p>	<p>۵</p>
<p>هدف از ارسال نامه به حاجی کریم خان هدایت اوست تا شاید از نفس و هوی نجات یافته پیرو حق شود: قل ما كان مقصودنا فیما أرسلناه الیک الا بان تكون متذکراً فیما فرطت فی جنب الله و تتخذ لنفسک الیه سیلا * انا اردنا هدايتک و انک اردت ضربنا و استهزأت بنا كما استهزأ قوم قبلك و هم الیوم فی أسفل الجحیم * انک من الذین اذ نزل الفرقان من لدی الرحمن قالوا ﴿ان هذا إلا أساطیر الاولین﴾ و اعترضوا علی أكثر آیاته فانظر فی الايقان ثم فی کتب أخرى لتری و تعلم ما اعترضت به من قبل علی محمد رسول الله و خاتم النبیین * انا عرفناک نفسك لتعرفها و تكون علی بصيرة من لدی البصیر * قل عند ربی خزائن العلوم و علم الخلائق اجمعین * ارفع رأسک عن فراش</p>	<p>۶</p>

<p>الغفلة لِشاهد ذكر الله الأعظم مستویاً علی عرش الظهور کاستواء الهاء علی الواو</p>	
<p>کلمات الله مقدس است از اشارات خلقی و قواعد قوم: تو و أمثال تو گفته اند که کلمات باب أعظم و ذکر اتم غلط است و مخالف است بقواعد قوم * هنوز آنقدر ادراک ننموده که کلمات منزله الهیه میزان کاست و دون او میزان او نمیشود * هر یک از قواعدی که مخالف آیات الهیه است آن قاعده از درجه اعتبار ساقط</p>	۷
<p>تا انسان از شونات نفس و هوی فارق نگردد از فیوضات حق نصیبی نخواهد برد: تا قلوب و افئده ناس بذکر این و آن مشغول از عرف روضه رضوان محروم * بشنو نصح این مسجون را و ببازوی یقین سد محکم متین بنا کن شاید از یاجوج نفس و هوی محفوظ مانی و بعنایت خضر ایام بکوش بقا فائز شوی و بمنظر اکبر توجه نمائی</p>	۸
<p>دنیا دارای اهمیت و بقائی نبوده و باید از آن منقطع گشت چه که همواره در حال تغییر و تحول است: دنیا را بقائی نه و طالبان آنرا وفائی مشهود نه لا تطمنن من الدنیا فکرفی تغییرها و انقلابها</p>	۹
<p>علوم ظاهره دارای ارزشی نبوده مگر آنکه به ذیور تقوی مزین باشد و ما را به سلطان معلوم رساند: بعلم ظاهره افتخار منما * و فوق کل ذی علم علیم * فاعلم لكل صارم کلالاً و لكل فرح ملال و لكل عزیز ذلّة و لكل عالم زلّة * تقوی پیشه کن و بدبستان علم الهی وارد شو * اتقوا الله و یعلمکم الله قلب را از اشارات قوم مقدس نما تا بتجلیات أسماء و صفات الهی منور شود * دَعِ الْعُلُومَ لِأَنَّهَا مَنَعَتْكَ عَنْ سُلْطَانِ الْمَعْلُومِ</p>	۱۰
<p>کلمات الهی میزان اتم است و هر قاعده ای که مخالف آیات الهی است آن قاعده از درجه اعتبار ساق است: کلمات منزله الهیه میزان کاست و دون او میزان او نمیشود * هر یک از قواعدی که مخالف آیات الهیه است آن قاعده از درجه اعتبار ساقط</p>	۱۱
<p>در قرآن نیز آیاتی موجود است که به ظاهر مخالف قواعد قوم به نظر می آید: از جمله اعتراض مشرکین در این آیه مبارکه بود که میفرماید ﴿لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ﴾ اعتراض نموده اند که احد را ما بین نه و باین جهة بر کلمه محکمها الهیه اعتراض و استهزاء نموده اند * و همچنین بر آیه مبارکه ﴿خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ﴾ اعتراض نموده اند که این مخالف آیات دیگر است چه که در اکثر آیات سبقت خلق سما بر ارض نازل شده * و همچنین بر آیه مبارکه ﴿خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ﴾ اعتراض نموده اند که سجود ملائکه قبل از تصویر خلق بوده * و اعتراضاتیکه در این آیه مبارکه الهیه نموده اند البتّه استماع نموده اید * و همچنین بر آیه مبارکه ﴿غَافِرِ الذَّنْبِ قَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ﴾ اعتراض نموده اند که شدید العقاب صفت مضاف بفاعل است نعت معرفه واقع شده و مفید تعریف نیست * و همچنین در حکایت زلیخا که میفرماید ﴿و</p>	۱۲

<p>اسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ ﴿۱۰۰﴾ اعتراض نموده اند که باید خاطات باشد چنانچه از قواعد قوم است در جمع مؤنث و همچنین بر آیه مبارکه ﴿وَكَلِمَةٌ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ﴾ اعتراض نموده اند که کلمه تأنیث دارد و ضمیر راجع بکلمه باید مؤنث باشد * و همچنین در ﴿إِحْدَى الْكُتُبِ﴾ و أمثال آن * مختصر آنکه قریب سیصد موضع است که علمای آن عصر و بعد بر خاتم انبیاء و سلطان اصفیاء اعتراض نموده اند چه در معانی و چه در الفاظ و گفته اند این کلمات اکثر آن غلط است و نسبت جنون و فساد بآن معدن عقل داده اند</p>	
<p>بگو ای غافل (خطاب به حاجی کریم خان) حضرت نقطه اولی همان کسی است که شیخ احمد و سید کاظم به او بشارت دادند و هر نفسی که اعتراض نماید بدرستی از همج رعاع محسوب است: و الذی اعترض الیوم اِنَّه من همج رعاع عند الله فاطر السموات و الارضین * قل یا ایها الغافل اسمع تغنی الوراق علی أفنان سدرۃ المنتهی و لا تکن من الجاهلین * ان هذا هو الذی أخبرکم به کاظم و احمد و من قبلهما النبیین و المرسلون</p>	<p>۱۳</p>
<p>جمیع اعتراضات علما از غل و بغضا بوده چنانچه بعضی از علما جواب این اعتراضات را بقواعد قوم داده اند: نموده اند چنانچه بعد معلوم و واضح شد که آن اعتراضات از غل و بغضاء بوده چنانچه بعضی علما جواب بعضی از اعتراضات را بقواعد داده اند</p>	<p>۱۴</p>